

آموزگاران

الفبای زندگی

روایت هایی از معلمان شهرمان

به بهانه روزی که به نامشان است



عکس: سیدعلی اشهریار

حالا قرار است در آستانه روزی که به نام مبارک معلم مزین شده است، روایت کنیم از میراث بزرگ زنان و بزرگ مردانی که اگر تلاش هایشان نبود، امروز این مرزوبوم نه پزشکی داشت که بیماران را درمان کند، نه مهندسی داشت که آباد کند و بسازد و نه گزارشگری داشت که اخبار را برای مردم گزارش کند. خرده روایت های ریزودرشت جامعه معلمان مشاهد از معلم نمونه و شاعر و هنرمند گرفته تا نخبه و بازنشسته، امروز تحفه درویشی است به پیشگاه همه اساتید و معلمان این مرزوبوم که اصلی ترین عناصر محرک علم و دانش و درس بزرگ اخلاص و مردانگی هستند.

که واژه ها هم در جای جای توصیفشان کم می آورند و کلمات هم برای روایت فدکاری شان در پیچ و خم خوبی ها کم می شوند؛ آن قدر کم و ناپیدا که دیگر نه می توان گفت و نه می توان نوشت. اعتراف می کنم که این بار انگشتانم در برابر قداست کلام معلم ناتوان شده اند. من در برابر این همه بزرگی هنوز هم همان دانش آموز کلاس اول ابتدایی هستم که در نخستین روز از مهرماه هیچ چیز نمی داند؛ نه می تواند بنویسد و نه می تواند بخواند؛ چه برسد به اینکه بخواد حروف را معنا کند، کلمات را بر صفحه بیاورد و جملات را در وصف ایثار و مهربانی معلمش بر صفحه نقش کند.

لاله سادات کوثری! این گزارش با دیگر گزارش ها فرق دارد. در آن نه از آمار و ارقام خبری هست، نه از فلان مسئول و فلان مدیر. جای جای حروف و واژه های این گزارش مقدس است. تقدسی ناب از جنس مردمانی که گاه پادشان می رود خودشان هم هستند؛ مردمانی با گذشت و فداکار که همه ما وجود پرپرکتشان را در زندگی مان تجربه کرده ایم. نوشتن از کسانی که خودشان الفبای زندگی هستند، لریزه به انگشتانم می اندازد، سه چهار باری تا انتهای خط عبارات را می نویسم و پاک می کنم؛ می نویسم و دوباره و سه باره پاک می کنم. شاید سخت ترین قسمت نگارش همین جاست؛ جایی

معلم نابینای شاعر



موسی عصمتی حدود بیست سال است که در مدرسه ویژه نابینایان در مشهد دبیر ادبیات است. او که در این سال ها سه کتاب با عناوین بی چشمداشت، بریل های ناگزیر و سمرقند را به چاپ رسانده است، از یک دوره خاص در مسیر زندگی اش سخن به میان می آورد که در حقیقت زندگی اش را درگون کرده است.

او می گوید: در سال ۱۳۶۵ در مدرسه عادی درس می خواندم، اما در سال پنجم ابتدایی بر اثر بیماری مننژیت بینایی ام را از دست دادم و بعد از چند سال خانه نشینی، راهی مدرسه نابینایان شدم.

عصمتی معلمی را فراتر از یک شغل می داند و می گوید: معلمی یک روش و یک هنر برای آموزش و انتقال تجربه است. حدود ۲۳ سال است که به آموزش و پرورش استثنایی مشغول شده ام و اکنون یک معلم پنجاه ساله ام. در این سال ها نه تنها من، بلکه همه معلمان، عمر و جوانی شان را برای پرورش افکار و تربیت انسان ها می گذارند و من معتقدم این اتفاق یک موهبت الهی است.

عصمتی جذاب ترین خاطره یک معلم را این طور روایت می کند: اینکه زمانی دانش آموز خود را در موقعیت و جایگاه مناسبی می بینم، در حقیقت بزرگ ترین هدیه برای ماست. وقتی تعدادی از دانش آموزان معلوم را می بینم که همکار من شده اند، برای من حس غرور و افتخار دارد.

ریاضی و درس زندگی



محمد علی سلطانی با ۳۱ سال سابقه خدمت، جزو معلمان نخبه مشهد است. او که رشته تحصیلی مقطع ارشدش ریاضی (گرایش آنالیز) بوده تاکنون دوره های مختلف علمی و پژوهشی را گذرانده است.

او که تقریباً همه سال های تدریسش را در مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی مشغول فعالیت بوده است، می گوید: کارکردن در مدارس تیزهوشان را به این دلیل دوست داشتم که در این مدارس مدام باید علم ریاضی خود را به روز می کردم. دانش آموزان در این مدارس مدام در المپیادهای کشوری و

استانی شرکت می کردند و پرسش های دانش آموزان من همیشه محدود به کتاب درسی نبود. این معلم نخبه که چند سالی را هم برای آموزش در خارج از کشور گذرانده است، می گوید هیچ گاه حتی به زندگی در خارج از کشور و مهاجرت فکر هم نکرده ام.

او می گوید: اگرچه در استخدام آموزش و پرورش ناحیه ۵ بودم، ولی همواره در سایر نواحی مامور می شدم. دانش آموزان مدارس سمپاد همواره باعث پیشرفت من می شدند و این چنین بود که من هیچ سالی (تا سی امین سال تدریس) بدون مطالعه وارد کلاس درس نمی شدم.

او می افزاید: بنده با افتخار دبیری را جزو رشته های اول انتخاب دانشگاه زدم و اگر به گذشته برگردم، باز هم دبیری ریاضی را انتخاب می کنم. شغلم مرا اغنا می کند و این بزرگ ترین موهبت خداوند است.

از آقای سلطانی می پرسیم ریاضی چه کمکی به زندگی ما می کند؟ او در پاسخ می گوید: مطابق تعریف انجمن ریاضی کشورهای پیشرفته، علم ریاضی چشم اندازی دارد که در بندهای اول آن، تربیت انسان برای زندگی جزو اهدافش ذکر شده است. در حقیقت هدف ما از تدریس ریاضی به عنوان مثال حل یک معادله نیست. همین که دانش آموز با ریاضی یاد می گیرد در فرایند حل مسئله قرار گیرد و گاهی شکست را بپذیرد، در حقیقت مهم ترین درس ریاضی است. اولیا بدانند قرار نیست همه دانش آموزان ما ریاضی دان شوند؛ قرار است با تجربه درس ریاضی، درس زندگی بیاموزند.

او ادامه می دهد: من سه سال برای آموزش در خارج از کشور بودم، در آنجا موقعیتی بود که باید با تعدادی از دانش آموزان در ارتباط قرار می گرفتم، تجربه من از آن مرآه علم با دانش آموزان سراسر دنیا جالب بود که فرد با علم ریاضی می توانست به موضوعاتی از قبیل ریاضیات مالی، تئوری اعداد و ریاضیات ژنتیک هم دست یابد.

ادامه تدریس پس از ۴۱ سال



منوچهر کلایلی معلم بازنشسته ای است که با وجود اتمام دوره تعهد کاری، هنوز که هنوز است به عشق معلمی کار می کند. او که در کارنامه کاری خود ۴۱ سال خدمت را به ثبت رسانده است، این روزها در جمع دانش آموزان نخبه مقطع ابتدایی کار معلمی و مدیریت را بر عهده دارد.

این معلم با سابقه می گوید: حدود ۴۱ سال در آموزش و پرورش سابقه خدمت دارم. در سال های کاری ام رشته های مختلف شغلی (اعم از آموزگار، راهنمای آموزشی، هماهنگ کننده گروه های آموزشی، کارشناس مسئول آموزش ابتدایی و...) را بر عهده داشته ام، اما معتقدم در میان همه این پست ها، معلمی جایگاه دیگری دارد.

او که حدود پانزده سال سابقه مدیریت در مدارس را در کارنامه دارد، می افزاید: در بهره ای، سرگروه مدیران استان خراسان بودم. در همه رشته ها وقتی فردی با عنوان معلمی شغلش را انتخاب می کند، باز هم همه تلاشش رفع مشکلات و مسائل مربوط به دانش آموزان است. شاید به همین دلیل است که می گویند انتخاب شغل معلمی قبل از نگاه درآمدی برای فرد، علاقه و عشق ذاتی می طلبد.

این مدیر با سابقه از شیرینی های روزهای تدریس و معلمی می گوید: روزی در یکی از خیابان های مشهد با خانواده در حال عبور بودیم که یک باره خانمی جوان مقابلم قرار گرفت. او در کلاس های هوش و خلاقیت من شرکت کرده و دانشجوی پزشکی بود. هیچ چیز برای یک معلم شیرین تر از این نیست که دانش آموزانش را در مدارج بالای علمی و تحصیلی ببیند. دانش آموزان این مدیر با سابقه این روزها آموزش علمی را اولویت زندگی شان قرار داده اند. کلایلی در توضیح این موضوع بیان می کند: در سال گذشته از مجموع ۱۲۴ داوطلب مدرسه ما برای آزمون ورودی به تیزهوشان هشتاد نفر در مدارس سمپاد پذیرش و حدود ۵۲ نفر هم در آزمون ورودی دبستان انرژی اتمی قبول شدند. در آزمون جهانی «ساسمو» دانش آموزان ما همواره دارای رتبه های درخشان هستند. سال قبل یکی از دانش آموزان ما در دو تورنمنت رتبه اول را کسب کرد و این موارد برای من از تجارب لذت بخش کار معلمی اند.

تدریس ادبیات با مشاعره

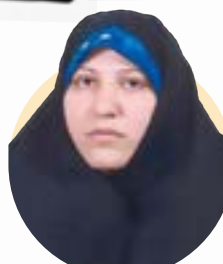


مریم عیدی زاده معلم هنرمند و جوان دهه شصتی است. او که در کارنامه کاری خود علاوه بر حرفه معلمی، تدریس کاریکاتور و آموزش طراحی رنگ روغن را دارد، این روزها در کنار نوزده سال کار معلمی، هنرهای دیگری چون ویتراژ، اکریلیک، پتینه، نقاشی با خودکار و مدادرنگی را دنبال و همه ساله در نمایشگاه های مختلف هنری شرکت می کند. این معلم جوان و هنرمند می گوید: اکنون دبیر ادبیات فارسی هستم، اما در مقطع ارشد، رشته مشاوره خانواده را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم؛ زیرا به نظر من یک معلم باید در وهله اول مشاور خوبی باشد و بتواند با دانش آموزان رابطه خوبی برقرار کند.

عیدی زاده بیان می کند: روش ویژه من در کلاس درس برای تدریس ادبیات استفاده از زبان مشاعره است. در حقیقت از همان ابتدا تدریس ادبیات فارسی در کلاس را با زبان مشاعره و داستان های کهن فارسی کلید زدم.

اما چه می شود که معلم ادبیات فارسی هنرمند می شود؟ او در این باره تأکید می کند: در کنار ادبیات از بچگی با هنر سروکار داشتم. سال ها در زمینه های مختلف هنری نمایشگاه داشتم. معتقدم هنر در زمینه تدریس ادبیات برای من خیلی کمک کننده بوده است. از دانش آموزان می خواستم حکایت ها و داستان های ادبی را به صورت نقاشی ارائه بدهند.

تدریس به کودکان بستری



برای یک مادر چیزی دردناک تر از این نیست که فرزندش به بیماری مبتلا شود و در دوره های متعدد و چندین ماهه درمان علاوه بر تحمل رنج بیماری از درس و مدرسه و آموزش عقب بماند، اما این دغدغه این روزها برای مادران این بیماران در بیمارستان اکبر با ایثار و فداکاری الهه دادمحمدی برطرف شده است. پنجشنبه هفت هفته موعود قرار خانم دادمحمدی با دانش آموزانش در بیمارستان اکبر است.

او که همه روزهای تعطیلی اش را به صورت رایگان و برای رضای خدا به تدریس مشغول است، می گوید: روزانه بین هشت تا دوازده دانش آموز سرکلاس درسم در بیمارستان حاضر می شوند. برای دانش آموزان پایه اول تا ششم ابتدایی تدریس می کنم؛ چون ممکن است بیمار از چند روز تا چند ماه نتواند به کلاس درس برود. او در ارتباط با روش تدریس خود برای دانش آموزان بیمار نیز توضیح می دهد: روش تدریس من برای این دانش آموزان تدریس با اورینگامی است؛ زیرا اورینگامی برای بچه ها جذاب است. تهیه اورینگامی حیوانات، به ویژه برای تدریس علوم بسیار مؤثر است. این کار علاوه بر تدریس علوم می تواند نقاشی و هنر و ادبیات و تدریس فارسی را به همراه داشته باشد. او می افزاید: شاید تاکنون به بیش از پانصد دانش آموز بیمار تدریس کرده ام. سایر روزهای هفته در مدرسه همراه سایر دانش آموزان هستم. از نظر من تدریس برای دانش آموزان بیمار لطف الهی است.

خلاقیت در تدریس



بشت در کلاس پنجم ۵ هستم. از صدای معلم کاملاً هویدا است که این ساعت، رنگ ریاضی است. یکی «خانم خانم» می کند، آن یکی می گوید «اجازه متوجه نشدم» و دیگری مزه ای می پراند و کلاس منفجر می شود؛ اما نفیسه دولتیان (که به گواه اولیا و البته لوح های افتخار متعددش از سوی متولیان آموزش و پرورش ناحیه ۴ و ۶ مشهد جزو معلمان نمونه معرفی شده است) با آرامش همیشگی اش کلاس را جمع و جور می کند و با عشق تدریس را ادامه می دهد. خانم دولتیان که با وجود موقعیت تدریس در دانشگاه، باز هم تدریس برای دانش آموزان - آن هم مقطع ابتدایی - را برگزیده است، با

ورود ما به کلاس اجازه می خواهد مبحث درسی را تمام کند و سپس وارد گفت و گو شویم. او به یک دغدغه همیشگی اش اشاره می کند و می گوید: از سال ۱۳۹۱ که به طور رسمی تدریس را آغاز کردم تا همین امروز مباحث درس ریاضی دست کم در پایه پنجم تغییری نداشته است. او ادامه می دهد: یک سؤال در کتاب ریاضی هست که با ۵ میلیون تومان چه می توان خرید؟ در سال ۱۳۹۱ با پاسخ به این سؤال در حقیقت می توانستیم یک پراید بخریم. این عدد برای امسال شاید خرید یک جفت کیف و کفش و لباس باشد و این در حالی است که محتوای آموزشی کتاب ما از آن سال تاکنون هنوز تغییر نکرده است.

دولتیان بیان می کند: پیشنهاد من تغییر محتوای کتاب درسی متناسب با علم و شرایط روز است. اگر این کار سخت است، حداقل آموزش و پرورش به معلمان سرفصل ارائه کند و کار را به معلمان بسپارد. این درست نیست که از بالا یک کتاب آموزشی برای کل کشور نسخه شود. اگر قرار است رشدی اتفاق بیفتد، باید محتوای دروس با استاندارد تغییر کند.

اما چه می شود که دولتیان معلم نمونه می شود؟ او که مهم ترین رمز موفقیت آموزشی خود را در آموزش مداوم و علم آموزی در دوره های مختلف می داند، می گوید: مهم ترین دلیل موفقیت من در تدریس ریاضی دوره ابتدایی استفاده از مدل خلاقیت در روش تدریس است. شاید بتوان گفت فعلاً در میان کشورهای دنیا نمونه موفقی از مدل آموزش در مدارس است. با تلاش و حمایت های متولیان آموزشی توانستیم در دوره آموزشی خانم «ایوا پنتیلا» از کشور فنلاند شرکت کنم و نتایج آن را در مدل تدریس خود پیاده کنم.

دولتیان که تا امروز شاید توانسته باشد به بیش از هزار دانش آموز با استفاده از مدل خلاقیت تدریس کند، می گوید: ریاضی تنها حل یک معادله نیست. بیشتر بچه های کلاس های من به گفته خودشان از ریاضی، ادب، سخت کوشی، ضرب المثل و خلاقیت را یاد گرفته اند.